

۳۷ - مقام عظیم کلمه الله و کتب الهیه

و از حضرت بهاء الله در کتاب بدیع است قوله الاعلی: قدر و شأن انسان از کلماتش ظاهر و فی الحقیقه کلمه مرآت نفس است لو انت من العارفين .

و قوله الاعز حضرت موجود میفرماید عالم را کلمه مسخر نموده و مینماید او است مفتاح اعظم در عالم چه که ابواب قلوب که فی الحقیقه ابواب سماء ازو مفتوح یک تجلی از تجلیاتش در مرآت حب تجلی نمود کلمه مبارکه انالمحبوب در او منطبق بحری است دارا و جامع هر چه ادراک شود از او ظاهر گردد تعالی هذا المقام الاعلی الذی کینونة العلو و السمو تمشی عن وراثه مهلا مکبرا و در لوح رئیس است قوله الاحلی قد اشتعل العالم من کلمة ربک الابهی و انها ارق من نسیم الصاقد ظهرت علی هیئة الانسان و بها اجبی الله عبادہ المقبلین و فی باطنها ماء طهر الله به افئدة الذین اقبلوا الیه و غفلوا عن ذکر ما سواه و قرہم الی منظر اسمه العظیم وانزلنا منه علی القبور و هم قیام ینظرون جمال الله المشرق المنیر .

و در لوحی قوله الاعلی: قل ان یا ملأ الارش لا تقاسوا خلق الایات یخلق شیئی و لا ظهورها بظهور شیئی ان انتم توقنون قل ان الایات بنفسها مرآت الله لأن فیها انطبعت صفات الله ان انتم تشوون و انها هی اول خلق حکمت عن الله فی ظهور اسمائه و صفاته ان انتم تفقهون و بها خلق الله خلق ما کان و ما یکون ان انتم تشهدون قل انها لصور الامر ینفخ روح الحی حیوان فی هیاکل الذین هم الی وجه القدس یتوجهون و انها لحجة الله بها ثبت امر الله من قبل القیل و یثبت الی آخر الذی لا آخر له ان انتم فیها تتفکرون .

و در لوحی دیگر قوله العلی بدان ایسائل که کلمه الهیه جامع کل معانی بوده یعنی جمیع معانی و اسرار الهی در آن مستور طوبی لمن بلغها و اخرج اللثالی المکنونه فیها اشراق کلمه الهیه را بمثل اشراق شمس ملاحظه کن همان قسم که شمس بعد از طلوع بر کل اشراق مینماید همان قسم شمس کلمه که از افق مشیت ربانیه اشراق فرمود بر کل تجلی میفرماید استغفر الله من هذا التشبیه چه که شمس ظاهره مستمد از کلمه جامعه بود فکر لتعرف و لکن اشراق شمس ظاهره ببصر ظاهر ادراک میشود و اشراق شمس کلمه ببصر باطن فوالذی نفسی بیده که اگر آنی مدد و قدرت باطنیه کلمه الهیه از عالم و اهل آن منقطع شود کل معدوم و مفقود خواهند شد و اگر نفسی ببصر الهی ملاحظه نماید اشراق و انوارش را در کل مشاهده نماید و همچنین اگر باذن طاهره توجه نماید ندای اول الهی را در کل حین اصغا مینماید ندای الهی لا زال مرتفع و لکن آذان ممنوع و اشراق انوار نیر آفاق ظاهر و لکن ابصار محجوب .

و در لوحی دیگر قوله الاعز ای امین علت حرکت حرارت بوده و علت حرارت کلمة الله لذا باید احباء بنار کلمه الهیه عباد را از شمال ظنون بیمین یقین کشانند و از حرارت کلمه ربانیه چنان بحرکت آیند که از عوالم نفسیه فانیه بمعارج منیعه باقیه نمایند .

و از حضرت عبدالههء است قوله الجمیل کلام بر دو قسم است یکی جوامع الکلم و فصل الخطاب که بغایت موجز و مفید است دیگری اساطیر و حکایات که مسهب و طویل و مطنب است ولی معانی قلیل و کمیاب پس نفوسی که در ظل کلمه توحید داخل اهل معانی اند نه الفاظ و طالب حقایق است نه مجاز جمیع لسانها نزدشان مقبول و مرغوب اگر معانی محبوب موجود چه گبری و چه کردی و چه تازی و چه دری و چه پهلوی و اگر در الفاظ معانی مفقود چه فارسی و چه عربی و چه عراقی و چه حجازی .

و از آن حضرت در خطابی است قوله العزیز اما مجمع کاوس که مقصدشان حتی المقدور اینکه انقلابات و اغتشاشات اجتماعی و اقتصادی مبدل بنظم و سکونی گردد که سبب آسایش عالم آفرینش شود بانان بگو که الیوم قوه انقلاب شدید است و اختلاف عظیم ممکن نیست که اهل عالم سکون و قرار یابند مگر بقوه که محیط بر عالم انسانی است آنقوه چون غلبه کند جمیع این انقلابات منقلب بسکون و قرار گردد و همه این اختلافات مبدل بالفت و محبت و اتحاد شود و آنقوه کلمة الله است قوه انسانی است جلوه الهی است نورانیت محض است قوه روح القدس است .